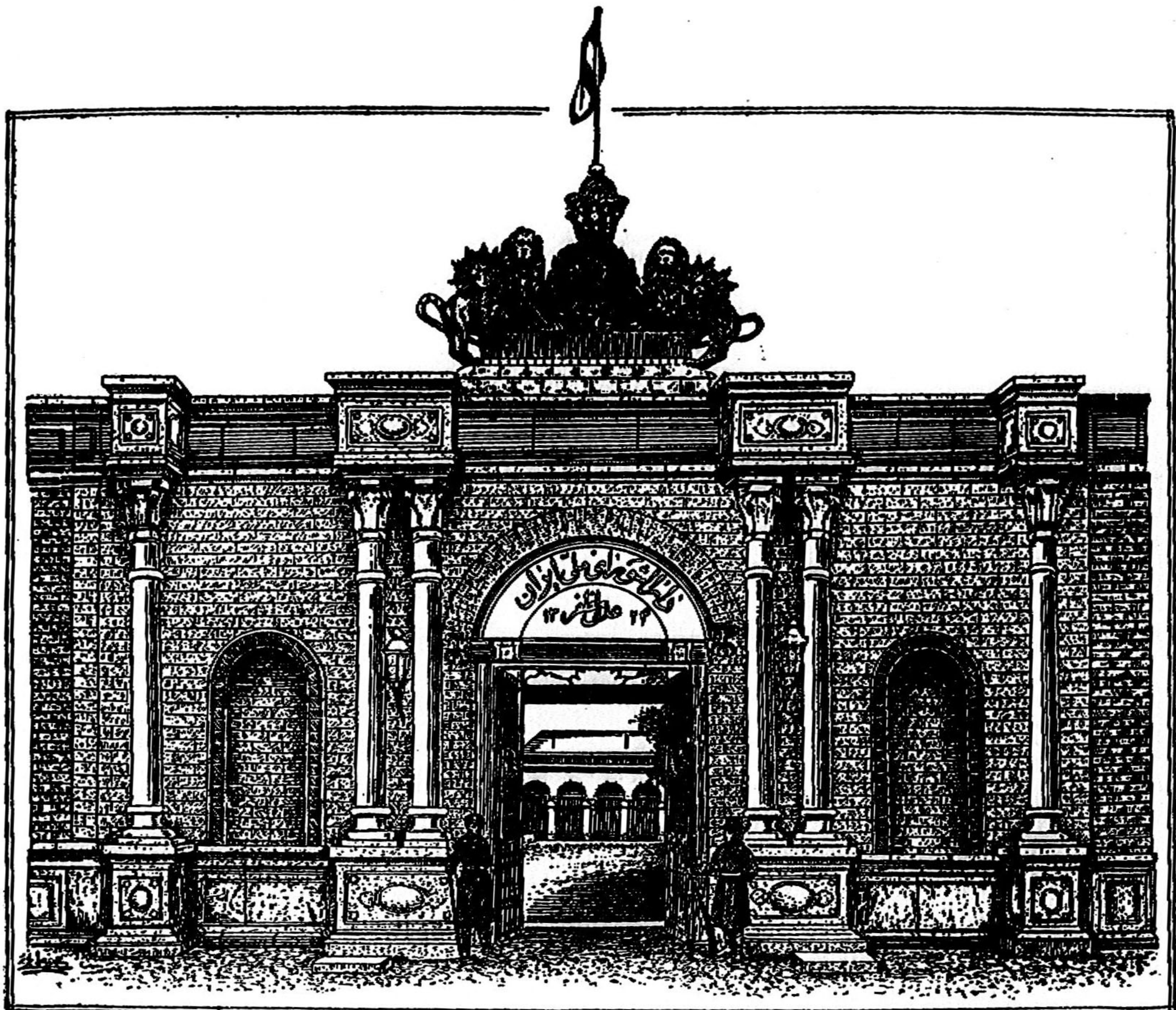


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۲۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۹۲</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۴ تیر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ محرم الحرام ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

# فهرست مندرجات

عمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقابان عدل - فرمند - لرستانی - حاج علی اکبر امین - دکتر سنک	۱۸۸۲	
۲	بقیه شور راجع بماده واحده دائر بمحدودیت رؤساء دوائر دولتی از انتخاب شدن در حوزه مأموریت	۱۸۸۳	۱۸۹۷



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۰۶ مطابق پنجم محرم الحرام ۱۳۴۶

### جلسه ۱۲۷

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: اسفندیاری - حیدری مکری - حاج میرزا آقا  
 فرشی - میرزا سید حسنخان زعیم - اعتبار - جمشیدی - نجومی - قوام  
 محمدتقی خان اسعد - بنی سلیمان - دکتر لقمان - سلطان محمد خان

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست  
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)  
 (صورت مجلس یکشنبه یازدهم تیر ماه را  
 آقای دیوان بیگی قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : علیخان اعظمی - نظام مافی - حشمتی  
حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : عراقی - میرزا عبدالله خان وثوق - بهبهانی  
بهار - ایه الله زاه اصفهانی .

دیر آمده بی اجازه جلسه قبل

آقای دکتر مصدق .

رئیس -- صورت مجلس اعتراضی دارد یا خیر ؟

( گفته شد خیر )

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

رئیس -- چند فقره خبر کمیسیون مرخصی است باید

قرائت شود . خبر راجع بر مرخصی آقای عدل

( بشرح آن خوانده شد )

آقای عدل نماینده محترم سابقاً برای تشریف باستان مقدس رضوی تحصیل بیست و پنج روز مرخصی نموده و متأسفانه استفاده نکرده اند اینک مجدداً برای همان مقصود و مسافرت با آنرا بایجان تقاضای هشتاد روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب می نماید مشروط بر اینکه از تاریخ تصویب در ظرف سه ماه و نیم استفاده از هشتاد روز مرخصی خود بنمایند .

رئیس -- رأی گرفته میشود آقایانیکه مفاد این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس -- تصویب شد خبر دیگر راجع بر مرخصی آقای

فرمند .

( بمضمون ذیل خوانده شد )

آقای فرمند نماینده محترم برای مسافرت بهمدان تقاضای پنجاه روز مرخصی از روز حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آنرا به مجلس مقدس شورای ملی

رئیس -- يك پیشنهاد دیگری رسیده است مقدم است  
بر این پیشنهاد

( پیشنهاد مزبور بشرح ذیل قرائت شد )

امضا کنندگان ذیل تقاضا میکنند که لایحه پیشنهادی آقای دشتی و آقایان دیگر راجع به تجدید نمایندگی از دستور خارج شود فهیمی و چند نفر دیگر

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- بنده یکی از پیشنهاد کنندگان خروج طرح بر روز از دستورم علتش هم این است که نه مطابق نظامنامه داخلی است و نه مطابق قانون اساسی . . . .

( همه هم نمایندگان )

فهیمی -- با همه نمی شود کار کرد . بنده عرضم را می کنم بعد آقایان بیایند جواب بدهند . آقای دشتی بر روز يك ماده پیشنهاد کردند که رؤسای ادارات در ولایات از حق انتخاب شدن محروم باشند مجلس هم بقریب اول و دوم این ماده رأی داد و مطرح شد بعد در ضمن آن يك موادی که بهیچوجه مربوط باین قسمت نمی شد پیشنهاد شد . مثلاً در ضمن آن طرح اگر بنده پیشنهاد میکردم که راه بین اهواز و شوشتر ساخته شود آیا باید رأی داد . . . .

( بعضی از نمایندگان ( با همه ) اینطور نیست )

فهیمی -- التفات فرمائید آقایان بکلمه پیشنهاد کردند که وزراء نباید انتخاب شوند . . . .

مدرس -- ماده نبود ضمیمه بود

فهیمی -- بسیار خوب ضمیمه . هیچ معلوم نبود که آن فوریت اول و دوم باین قسمت هم مربوط میشود یا خیر ؟

قسمت ثانی پیشنهاد آقای دکتر مصدق بود که در دوره وکالت وکلا نباید کار دیگری قبول کنند مگر این که سه ماه قبل استعفا بدهند بنده این را کاملاً مخالفم و مخالف با اصل ۳۲ قانون اساسی میدانم . . . .

۱۳۰۶ لغایت دو ماه اجازه مرخصی داشته و نظر به گرفتاری که در مرکز برای ایشان حاصل شده است از استفاده آن محروم و مجدداً تقاضای تجدید نموده اند لذا کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آن را بمقام مجلس شورای ملی تقدیم میدارد و ضمناً به نماینده محترم تذکر میدهد که از تاریخ تصویب لغایت سه ماه حق استفاده از دو ماه مرخصی خود خواهند داشت

رئیس -- آقایانیکه مرخصی آقای دکتر سنک را تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

رئیس -- تصویب شد .

وزیر مالیه -- اجازه میفرمائید ؟

رئیس -- بفرمائید

وزیر مالیه -- لایحه دو دوازدهم بر روز در کمیسیون بودجه تصویب رسیده است ولی مطابق تحقیقی که بنده کرده ام هنوز طبع و توزیع نشده است و چون روز پنجشنبه از قراریکه اظهار میشود مجلس تعطیل است بنده میخواستم تقاضا کنم که هر موقعی خود آقایان نمایندگان صلاح میدانند اجازه بدهند امروز خبر کمیسیون این جا قرائت شود و دو دوازدهم تصویب شود . چیز تازه هم ندارد روی همان اصول سابق است

رئیس -- لایحه که وزیر عدلیه تقدیم کرده اند قرائت میشود بعد مطرح میشود

بعضی از نمایندگان -- بعد از دستور

رئیس -- پیشنهادی رسیده است قرائت میشود .

( پیشنهاد آقای باستانی بشرح ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم رایورث کمیسیون بودجه راجع به اضافات فوائد عامه در سنه ۱۳۰۵ در دستور امروز مقدم باشد .

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست  
فهمی - شما میگوئید نیست بنده میگویم هست اینرا  
برای بنده تفسیر بفرمائید بنده قبول میکنم؛ چنانچه یکی از  
وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم نشود....  
بعضی از نمایندگان - آقا این پیشنهاد هنوز تمام  
نشده است.

فهمی - اخطار قانون اساسی را در هر موقع هر کسی حق  
دارد در مجلس بکند. هر قدر هم داد بزید فایده ندارد (چنانچه  
یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم نشود از عضویت  
مجلس منصرف میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف به  
استعفا از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت میباشد) این ماده  
بطور وضوح میفهماند که یکدفعه با داشتن مقام وکالت میتواند  
شغل دولتی هم قبول کند ولی قبول شغل دولتی موجب انفصال  
او از وکالت می شود. این پیشنهادی که شده است سه  
ماه قبل استعفا بدهد که بلافاصله زود در آن شغل سه  
ماه بعد اصلاً او وکیل نیست علت انفصال او از وکالت  
همان قبول شغل دولتی است والا به محض اینکه استعفا داد  
صورت اشخاص هادی را پیدا میکند اینک معین میکند سه  
ماه مثل این است که وکالت لکه ایست روی دامن اشخاص  
که اگر وکیل میخواهد شغل دولتی قبول کند سه ماه  
باید فرجه بدهد کفارہ بدهد تا پاک شود بعد برود شغل  
دولتی قبول کند در صورتیکه قانون اساسی این را ننگفته  
قانون اساسی میگوید همان وکیل با اطلاق وکالت میتواند  
برود شغل دولتی قبول کند یعنی اگر شغل را قبول  
کرد منصرف است و اگر نکرد وکیل است حالا آن کسی  
که سه ماه فاصله میدهد اگر شغل دولتی قبول نکرد آیا  
این شخص دو مرتبه وکیل است؟  
بعضی از نمایندگان - خیر وکیل نیست.

فهمی - پس این اصل راجع باین شخص نمیشود این اصل  
راجع به کسی است که از روی صندلی وکالت يك شغلی قبول کند  
و برود روی صندلی وزارت و این ماده برروز در نتیجه يك  
احساسات و ملاحظاتی شخصی و يك حرارتهائی یکی بر

علیه دیگری پیشنهاد شد این است که بنده پیشنهاد  
کردم از دستور خارج شود و برود بکمیسیون که يك  
هیئتی رسیدگی کنند اگر آنها تصویب کردند قبول می  
کنیم. در هر صورت چون بنده این را بکلی برخلاف  
قانون اساسی میدانم....

جمعی از نمایندگان (با همه) اینطور نیست. مخالف  
قانون اساسی نیست.

فهمی - رأی نمیدهم پیشنهاد هم کرده ام از دستور  
خارج شود

جمعی از نمایندگان - (با همه) رأی بگیرد اکثریت  
حاکم است

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که تصویب  
میکند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهادها قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای بامداد. تبصره ذیل را پیشنهاد می  
کنم:

تبصره - رأی دهندگان باید سواد فارسی داشته  
باشند.

رئیس - بفرمائید

بامداد - بنده با اصل این ماده موافقت نداشتم  
ولی باماده الحاقیه موافقم. این ماده الحاقیه خیلی لازم است  
این طرح مبنایش بر اصلاح قانون انتخابات است. قانون  
انتخابات هم پایه مشروطیت است. کر او درست شد  
بقیه هم درست میشود. آقایان پیشنهاد کنندگان  
و موافقین این طرح نظرشان این است که نفوذ های  
نامشروع در انتخابات اعمال نشود. پس حالا که میخواهند  
قانون انتخابات را اصلاح کنند خوبست علت العلل  
نفوذ های نامشروع را از بین بردارند. همه آقایان بیست  
سال است تجربه کرده اند که انتخابات حتی در خود

رئیس - آقای آقای سید یعقوب

آقای سید یعقوب - اولاً خوب بود آقای بامداد توجه  
بفرمایند که ما قانون انتخابات نمی نویسیم صحبت نظامنامه  
انتخابات نیست که منتخب کیست و چه جوری است.  
تایید آقا جان حقیقت این است ولو اینکه کلاهی هستی دولتی  
اول در سلك علما بودید و در مدرسه خراسان و اینچا بوده اید  
حق سیاسی مثل تکلیف الهی است سواد تکلیف الهی  
نیست چطور مالیات بدهد اما انتخاب نکنند. بچه دلیل  
همانطور که شارع مقدس او را مختار کرده است بعد از  
بالغ شدن در تصرف اموال خودش. در انتخابات و در  
سیاست مملکت هم همین طور آزاد است آقای بامداد چرا  
برخلاف شرع حرف میزنند؟

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرند

رئیس - فعلاً عده برای رأی کافی نیست بعضی  
پیشنهادات قرائت می شود.

زوار - استدعا میکنم اعلام بفرمائید که مجلس را  
کیها از اکثریت انداخته اند.

یک نفر از نمایندگان منتظر الوزاره ها

رئیس - پیشنهاد آقای محمدولی میرزا  
(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میدارم کاندید های وکالت باید لا اقل یکسال  
قبل از شروع با انتخاب در محل اقامت داشته یا اینکه از  
ساکنین همان محل باشند

رئیس - آقای محمدولی میرزا

محمدولی میرزا - در اینجا مذاکرانی که در اطراف  
این طرح میشود محدود است و يك مواد معینی در آن  
طرح هست که در جلسه سابق مذاکره شد و قرار شد  
آن مذاکرات در این جلسه تعقیب بشود بعد آقای بامداد داخل  
در اصلاح اصولی قانون انتخابات شدند قانون انتخابات  
مشمول بر دو ماده و سه ماده نیست چندین فصل است  
و سی و چهل ماده دارد و همه ماها هر کدام در حوزه  
انتخابیه مان تجارنی داریم و میدانیم نقایص این قانون

طهران بواسطه اینکه وسائل اعمال نفوذ نامشروع مهیا  
است بچه صورتهائی می افتد. بنده کاملاً موافقم با این  
که ملت ایران تمامشان حق حاکمیت داشته باشند  
مشروطیت هم معنایش این است. دموکراسی معنایش  
این است. مرام و عقیده ام هم این است. ولی  
این طرح آمده محدودیت فائل شده حالا که  
این طور میکنید پس کاملتر کنید یعنی موضوع نفوذ  
نامشروع را از بین بردارید که از طرفی هم کاملاً معارف  
خدمت کنیم تا این قدمی که برای تعلیمات عمومی و  
اجباری برداشته میشود رسا تر باشد و زودتر به تعمیم  
معارف که مقصودمان است برسیم. در ولایات حتی در  
حومه طهران میبینید فلان رئیس اداره آیا خودش را  
تحمیل میکند بر اشخاص باسواد؟

کازرونی - بله در طهران دیدیم

بامداد - بنده علی المبنی در اصل مطلب موافقم باشما ولی  
عرض میکنم همراهی کنید. زیرا آنوقت این بدبخت زارع را  
از سر خرمن بر میدارند دسته دسته میاورند پای صندوق  
انتخابات و از کسب و کار و زراعت آنها را باز میدارند  
مگر همه نان شنیده اید که میگویند آقایان پتیه ما را  
بدهید که زودتر برویم بخرممان برسیم. این بدبخت نفع  
که نمیرد هیچ سراسر خسارت هم میبرد ولی اگر رأی  
دهنده باسواد باشد نمیشود برش تحمیل کرد و این سابقه  
هم دارد - حتی در تمام ممالک دنیا به آدم باسواد  
حق دو رأی میدهند و این موضوع محرومیت يك عده  
هیچ سابقه نداشته ولی این موضوع خیلی سابقه دارد.  
بعضی از نمایندگان - در کجا؟

بامداد - بلژیک. بنا بر این بنده عرض میکنم اگر  
بخواهید انتخابات ما يك چیز صحیحی باشد؟ اگر  
میخواهید موفق شوید بامتياز فزلی. بوکیل خوب  
پیدا کردن. و اساسی شدن و پایه محکم شدن مجلس  
شورای ملی. باید رأی دهند به باسواد باشد و تصور  
میکم این پیشنهاد میزان بی غرضی نمایندگان است.

وکالت آنها مشکوک است و اینرا هم نمیتوانیم تصدیق کنیم که آنها بنام وکالت به مجلس شورای ملی بیایند بنابراین خواهش می کنم آقایان پیشنهادات خودشانرا پس بگیرند و بعلاوه يك فکری بکنند برای خراب نظامنامه. این وضعیت خوبی نیست که پنجنفر مجلس را از اکثریت بپندازند و بنده از مقام ریاست استدعا میکنم تنفس بدهند.

بعضی از نمایندگان (باهمه) - مسترد داشتند  
محمودلی میرزا - اگر آقای بامداد مسترد داشتند بنده هم مسترد میدارم

(پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا به شرح سابق خوانده شد)

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بپیشنهاد آقای بامداد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - اینهم تصویب نشد. پیشنهاد دیگر آقای بامداد.

(شرح ذیل خوانده شد)

این تبصره را نیز پیشنهاد میکنم  
تبصره - از عده نمایندگان طهران یک نفر کسر و به شمیرانات و لواسانات و ارتکه مستقلاً یک نفر نماینده داده میشود

رئیس - آقای بامداد

جمعی از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - پیشنهاد آقای خواجوی

(شرح آنی قرائت شد)

این جانب پیشنهاد مینامم که جمله اول از قرار ذیل اصلاح و نوشته شود:

در کجاست برای آقای بامداد يك قسمتش برای بنده چندین قسمت دیگرش از جمله یکی مسئله انجمنها است و یکی مسئله کاندیدها بنده يك پیشنهاد دیگری هم در این باب تقدیم کرده ام. یکی دیگر که مهمتر از تمام قضایا است و در قانون مبهم است و مخصوصاً اصلاحاتی که در دوره پنجم شده است بکفوری بر ابهامش افزوده است آن راجع به تشکیل انجمنهای فرعی است اگر واقعاً ما میخواهیم قانون انتخابات را اصلاح کنیم و آن جزء دستور است بنده کاملاً آقایان را ذی حق میدانم که نظریات خودشان را بفرمایند و در آن مذاکره شود و اگر خیر محدودیم بهمان طرحی که چند روز قبل مطرح شد دیگر بنده نمیدانم این حشو و زوائد چیست. اگر میخواهیم وارد اصل موضوع انتخابات بشویم روبه همین است که بنده این پیشنهاد را کرده ام و اگر خیر آقایان میخواهند خودشان را محدود کنند بخاتمه مذاکرات جلسه گذشته بنده هم پیشنهاد های خودم را مسترد میدارم.

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم بنده می بینم رفته رفته سوء استفاده از حق پیشنهاد دادن میشود و يك تأثیرات بدی را در مجلس ایجاد میکند قانون انتخابات که مطرح نیست يك موادی بود که آقای دشتی و جمعی از آقایان نمایندگان طرح قانونی پیشنهاد کردند قانون انتخابات خرابی های دیگر هم دارد قسمتهای دیگرش هم نقص دارد و بنده خودم هم در بعضی موارد نظر بانی دارم و حتی يك اصلاحاتی است که در عمل دیده ام و نوشته شده است در موقع مناسبی تقدیم مجلس میکنم و از آقایان محترم خواهش مندم هر نظری دارند در آن مورد اظهار کنند و این پیشنهاداتی بی مورد را فرمایند حالا هر چه بوده است مجلس رأی داده است و تصور میکنم اگر رأی به مجموع این طرح هم ندهند باز مشکوک است یعنی اگر این اشخاص بخواهند بآن ترتیب وکیل شوند

برای اینکه اشخاصیکه عضو انجمن هستند کمالاً نتوانند اعمال نفوذ کنند بعلاوه برای اینکه حکومت در دست انجمن نظارت است و حاکم باید بیغرض باشد بنده پیشنهاد کردم و تقاضا کردم در این موقع که قانون انتخابات بوسیله این طرح اصلاح می شود این اصلاح هم بعمل بیاید که کسانیکه عضو انجمن نظارتند نتوانند وکیل شوند.

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرند.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده استدعا میکنم از آقایان احتشام مزاده و هم چنین سایر نمایندگان محترم که باین پیشنهادی که آقای دکتر مصدق حقیقه از روی عقیده پاک کرده اند موافقت نکنند. مانظرمان این بود که مملکت يك حالت سالم و سلامت و استقامت باشد و دوامی در مجلس و هیئت وزراء باشد و البته شایم میدانم همین عقیده را داربد که مملکت دو سال سه سال کابینه اش نهاد و کار کند و در مجلس هر روز کشمکش نداشته باشیم. پس این پیشنهادهایی که میشود خودتان هم تصدیق میفرمائید که مثل ماست و دروازه است که هر دو بسته میشود عنوان این بود و رهان هم ذکر شد که يك نفوذی دولت دارد که آرا مستخدمین دولت خلط میکنند در اقتدار شخصی خودشان ولی وقتی که يك کسی وکیل شد ولو اینکه در انجمن نظارت هم باشد باو چنین اختیاری دولت نداده است که اعمال کند بنا بر این بنده خواهش میکنم که خاتمه باین پیشنهادات بدهید که يك خدمت بزرگی به مملکت کرده باشیم.

احتشام مزاده - بنده مسترد میکنم.

بعضی از نمایندگان - احسنت

رئیس - مذاکرات راجع بکلیات است. مخالفی نیست

افسر - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

کلیه مأمورین دوائر دولتی و وزراء در سر خدمت الی آخر رئیس - این پیشنهاد کویا دیگر مورد ندارد،  
خواجوی - بله

رئیس - پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میدارم بجای اینکه اشخاص بتوانند در حوزه انتخاباتیه کاندید وکالت شوند باید لا اقبل دو بست نفر اشخاص با سواد معرف آنها باشد و هویت آنها را مقامات رسمی اگر سجل احوال نباشد تصدیق نمایند.

محمد ولی میرزا - بنده مسترد کردم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام مزاده

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - اعضاء انجمنهای نظارت انتخابات

از حق انتخاب شدن در حوزه مربوطه محروم هستند

رئیس - آقای احتشام مزاده

احتشام مزاده - برای اینکه آقایان نمایندگان فرمایند خارج از موضوع و مربوط باصلاح قانون انتخابات است عرض میکنم بهمان نظر که این طرح تقدیم شد خواستیم این قسمت را باینکه در قانون انتخابات تجدید نظر بشود بنده عرض میکنم بهمان دلیل اعضاء انجمنهای نظارت انتخابات هم بایستی از حق انتخاب شدن در حوزه مربوطه محروم شوند بدو دلیل اولاً برای اینکه چون آقایان وارد درکار و عامل امر انتخابات هستند بیش از هر کسی اعمال نفوذ میکنند در انتخابات. و يك مسئله دیگر هم این است که آقایان حاکم قضیه هستند راجع بجزایر انتخابات. البته يك نفر که خودش کاندید می شود نمیتواند بیطرف باشد نمیتواند بیطرفانه قضاوت کند و يك حقی را که ملی است بدست يك اشخاصی که صاحب غرض هستند نمیشود واگذار کرد. باین جهت

افسر - عقیده بنده این است ...  
 يك نفر از نمایندگان - مختصر بفرمائید  
 افسر - میفرمائید هیچ حرف زدم . هر وقت بنده  
 ده گله خرف زدم آنوقت بفرمائید مختصر باشد عقیده  
 سیاسی بنده این است که عموم اهالی ساکنین ایران حق  
 انتخاب کردن دارند و بشرط لیاقت هم حق انتخاب شدن .  
 این يك حق عمومی ملی اجتماعی است که حق الامکان  
 تا يك ادله قسوی در مقابلهش پیدا نکند .  
 نباید این حق را از مردم سلب کنید البته يك خانه  
 خران که مال چند نفر باشد وقتی میخواهند تعمیر کنند باید  
 بصاحبان آن مراجعه کرد و آنها را شرکت داد در آبادی  
 آن خانه مگر اینکه صغیر یا دیوانه در بین آنها باشد  
 که ولی و قیم لازم داشته باشد . این قسمت اولیه را  
 که راجع به حق انتخاب است بنده کاملاً مخالفم و باید  
 عمومی باشد و بکلی مسئله یا سواد و امثال ذلك را  
 بنده مخالفم . اما موضوع انتخاب شدن را بآن شدت  
 نمیتوان تعمیم داد یعنی شرط لیاقت بقدری لازم است که  
 وقتی زمام امور مملکت را در دست میگیرند آراء آنها  
 بتواند مؤثر در آبادی و ترقی و سعادت و شقاوت مملکت  
 باشد لهذا اشخاصیکه کلیه تحصیل کرده و باسوادند و  
 اشخاصیکه شایسته وکالت هستند نباید آنها را بکلی از  
 حق انتخاب محروم کرد . البته نسبت به نظامی و حکام  
 آنهایی که احتمال میرود که مؤثر در امر انتخابات هستند  
 و نفوذ آنها تأثیری در باب عدم آزادی ملت دارد این  
 قسمت را باید رعایت کرد ولی بنده هر چه فکر میکنم  
 نمیتوانم تصور کنم که فلان ثبات اداره گمرک یا منشی  
 اوقاف و حفظ الصحه در فلان ولایت او بجهت مناسبت  
 باید محروم شود و حقوقش از بین برود ...

بعضی از نمایندگان - مربوط به ثبات نیست

مدرس - راجع برؤسا است

افسر - قسمت دوم این است که بنده وزراء را عقیده  
 ندارم و در قسمت وکلا هم عقیده ام این است که اصول

مسلکی حکمفرما شود یعنی مردم بدانند وکیل ملت را  
 برای چه میفرستند و این چه عقایدی در مجلس اظهار  
 میکند آنوقت آن جمعی که میآیند بدانند چه وزیری را  
 معین میکنند و آن وزیر هم دارای چه عقیده و آمالی  
 است بالاخره مملکت را بکجا میخواهد بکشاند . این را  
 نمی شود برقرار کرد مگر اینکه ملت حق خود را بترتیب  
 مسلکی اعمال کند . و وکیل نمیتواند اعمال نظر کند  
 مگر اینکه از طرف ملت انتخاب شود و وقتی نه یکسال  
 یا دو سال در مجلس بود و هم مسلکان و رفقای او ناوکار  
 کردند و فهمیدند که دارای چه افکاری است البته وقتی  
 که وزیر میشود بیشتر مانوس است بافکار آقایان وکلا  
 و بیشتر هم وکلا به او اعتماد دارند . و عقیده بنده این  
 است که تا يك ادله قوی نباشد نباید آنها را محروم کرد  
 و همین دلیل بنده آروز از اول تا آخر مواد مخالف  
 بودم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - عده کافی نیست ، آقای روحی .

روحی - بنده با کفایت مذاکرات موافقم .

رئیس - عده کافی نیست با کلیات هم موافقید ؟

روحی - بله

رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم بنده برای استحضار خاطر  
 همکار محترم خودم عرض میکنم که هیچکس در این دو  
 سه ماده مصوبه از حق انتخاب شدن محروم نشده است  
 منتهی از بعضی نفوذهای نامشروع که بعضی رؤساء  
 ادارات یا وزراء و معاونین آنها دارند و در موقع عمل  
 تحمیل میکنند جلوگیری شده است .

ما بطور کلی هیچکس را محروم نکرده ایم و بنده

عقیده دارم که اینهم قابل تغییر است و بالاخره تمام  
 قوانینی که از مجلس شورای ملی میگردد باید بموقع عمل  
 بیاید و در عمل آزمایش شود و وجود مجلس برای همین

است که هر قانونی که اشکالاتی داشته باشد و در موقع  
 عمل و آزمایش نقابش معلوم شود در نانی آنرا بمجلس  
 پیشنهاد کنند . مادام که احزاب سیاسی در مملکت  
 نیست بنده عقیده دارم که هر قدر از این تحمیلات  
 نسبت به ملت جلوگیری بشود اصلاح جامعه است و  
 هر قدر از این اصلاحات برای اصلاح انتخابات بشود  
 صلاح است مگر آرزوی که حزب عمومی شود و وکیل حزبی  
 شود و الا مادام که اینطور نشده باید از نفوذ های  
 نامشروع جلوگیری کرد .

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - عرضی ندارم .

رئیس - باید چند دقیقه تعطیل شود .

جمعی از نمایندگان - خیر . خیر آقا

محمد ولی میرزا - بنده در کلیات اجازه خواسته ام .

رئیس - بفرمائید .

محمدولی میرزا - عریاضی که بنده میخواهم عرض  
 کنم آنطوریکه البته نظر محترم آقایان است در موضوع  
 این پیشنهاد است بنده هم اصولاً موافقم و خود بنده  
 یکی از امضاء کنندگان این طرح بودم و نظر  
 موافق داشتم . هر چند در يك قسمت آن نظری  
 داشتم و پیشنهادی هم داده بودم و بعقیده بنده هم  
 همان بود که پیشنهاد کردم . علی ای حال در کلیات هم  
 موافقم و فقط در يك جمله بود که یکی از نمایندگان  
 محترم در پیشنهادشان توضیحاتی دادند برای محروم داشتن طبقه  
 ملاکین از انتخابات . هر چند در مجلس عکس این  
 مسئله ثابت شد و هیچ تأثیری نکرده و قابل توجه نگردد  
 و دو سه نفر بیشتر در این مسئله شرکت نکردند ولی  
 اصولاً بنده لازم میدانم عریاضی عرض کنم چون  
 یکی از مسائل مهمه اجتماعی این مملکت است و باید  
 اگر يك اشخاصی با کمی اطلاعات و عدم بصیرت اظهارات  
 در مجلس شورای ملی میکنند آن کسانی که بکفایت بیشتر

وارد در این قضایا هستند و از این مسائل اجتماعی آگاه  
 هستند و از طرز زندگانی رعیت و مالک مطلعند و موظفند  
 که توضیحاتی و اطلاعاتی بدهند . نماینده محترم که در  
 پیشنهادشان توضیحاتی دادند طوری جلوه دادند که يك  
 طبقه در این مملکت هست که ملاک هستند ...

(همه نمایندگان . صدای زنگ رئیس)

محمد ولی میرزا - اجازه بفرمائید . خواستند تجزیه  
 بفرمایند ملاک را از زارع و دهقان و کسانی که  
 زندگانی و گذران خودشان را از امر فلاح و  
 زراعت می کنند . در صورتی که بکلی  
 در عمل این مسئله وجود ندارد . بلکه بواسطه مسائل  
 دنیائی و اخلاقی ما بآخره هست در ایران طبقه ملاک  
 و زارع و دهقان مفروز نیستند و نا اندازه در زندگانی با  
 هم مخلوط هستند و بین آنها در افعال و اعمالشان کاملاً  
 ارتباط هست و نماینده محترم اظهاراتی را که این جا فرمودند  
 بیشتر ناشی از بی اطلاعی از وضع و رسوم زندگانی آنها  
 بود .

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - در این موادی که گذشته است بنده  
 روی هم رفته در کلیاتش موافقم بجهت اینکه هم در انتخابات  
 مؤثر است و هم در جریان مجلس شورای ملی . و اینکه  
 عرض کردم روی هم رفته برای اینست که يك تأثیر  
 قطعی در انتخابات ندارد . البته يك عده را محروم  
 کردیم ولی محروم کردن يك عده دلیل بر حسن جریان انتخابات  
 نخواهد شد . ما باید رفع علت را بکنیم ما اگر رفع  
 علت را بکنیم بهتر از این است که دنبال  
 معلول بگردیم فرضاً که بکمه از رؤسای ادارات هم  
 انتخاب نشوند سؤال میکنم آیا انتخابات روی يك جریان  
 صحیحی خواهد بود؟ بعقیده بنده در این مسئله جوابی  
 نیست که به بنده بدهید . زیرا قسمت عمده انتخابات آنست  
 که شرایط انتخاب کنندگان صحیح باشد . اگر شرایط  
 انتخاب کنندگان و طرز انتخابات صحیح شد آنوقت آنها

هر کسی را که انتخاب کنند خوب می شود ولی وقتی که شرایط انتخاب کنندگان با طرز انتخابات صحیح باشد آنوقت هر روز ما باید بنشینیم يك حدود و حقوقی معین کنیم که فلان عده حق انتخاب شدن نداشته باشند. در صورتیکه اگر قوانین را درست بچربان بیندازیم و در انتخابات نهدید و تطبیع نکنند یعنی اشخاص را که نهدید و تطبیع میکنند از نقطه نظر قانونی در خارج مجازات شوند و در مجلس هم اشخاصی که باین طرز انتخاب میشوند نمایندگان اعتبارنامه آنها را در مجلس رد نمایند دیگر قطعاً کسی نمیرود يك جریان ناصحیحی را تعقیب کند برای اینکه وکیل شود. در ممالک خارجه همه سعیشان این بوده است که جریان انتخابات را درست کنند یعنی طرز انتخابات را از نقطه نظر انتخاب کنندگان اول درست کرده اند. شرط انتخاب کنندگان در ممالک خارجه اول این بوده است که انتخاب کننده باید يك نمولی داشته باشد علت این ترتیب چه بوده؟ بواسطه این بود که همچو تصور میرفت کسیکه نمول داشته باشد نمیرود رأی خودش را بفروشد. کسی که هزار تومان نمول داشته باشد محتاج نیست به اینکه دو قران بگیرد و رأی خودش را بفروشد. و چون در ممالک خارجه در آن اوقات علم و معارف اینقدرها وسعت و توسعه نداشته است مردم درست نمی توانستند قضاوت کنند این بود که این ترتیب قرار دادند. یعنی اگر انتخاب کنندگان با يك شرایطی محدود میشدند آنهاست که يك نمولی داشتند کمتر زیر بار تطبیع میرفتند تا آنهاست که هیچ استطاعت نداشتند ولی بتدریج که معارف توسعه پیدا کرد این شرایط هم از انتخاب کنندگان برداشته شد. ما هم امروزه اگر آن شرایط را نمی توانیم در مملکت خودمان قیدو اجرا کنیم ولی اگر يك روزی پیش بیاید که شرط سواد داشتن را برای انتخاب کنندگان قید کنیم خیلی خیلی خوب است ولی البته این مسئله محتاج باین است که نمایندگان مجلس شورای ملی کاملاً دقت کنند که يك

شرایط اساسی و حقیقی برای انتخاب کنندگان معین و منظور کنند نظرینده این است که انتخاب شوندگان باید در يك قسمت هائی محدود و محروم باشند و جریان انتخابات هم باید درست شود و همینطور طرز و شرایط انتخاب کنندگان هم باید درست شود تا انتخابات صحیحاً بعمل آید. دیگر اینکه در اروپا برای اینکه انتخابات صحیحاً بعمل آید آمده اند و انتخابات را دو درجه قرار داده اند برای اینکه اگر فرضاً در درجه اول وکیل انتخاب شود چون میداند که در درجه دوم انتخاب او قطعی نیست و اطمینان ندارد که حتی در درجه دوم انتخاب می شود دیگر عقب این کار نمیرود. از این جهت است که سه برابر چهار برابر عده که لازم است در درجه اول انتخاب میکنند آنوقت از میان این عده آن اشخاص و آن چند نفری که برای رفتن به مجلس لازم است در درجه دوم انتخاب خواهند شد. مسئله اصلاحات انتخابات یکی مربوط به طرز و جریان انتخابات است و یکی هم شرایط انتخابات است ولی در اینجا بنده خواستم بطور جمله معترضه عرض کنم که بنده بطور کلی با این لایحه موافقم ولی نه با تمام لایحه بلکه با يك قسمتهائی از آن. آن قسمتی را که بنده مخالفم این است که اگر بنا شود هر روزه ما يك عده را از انتخاب شدن محروم کنیم این درست در نمی آید. ما اساساً باید کاری بکنیم که طرز انتخابات اصلاح شود و معلوم شود که انتخابات ما باید يك درجه باشد یا دو درجه و يك فکر اساسی باید بکنیم نه اینکه همه روزه بکعده را محروم کنیم

اما راجع به تأثیراتی که همین ماده که بنده پیشنهاد کرده ام در جریان انتخابات دارد لازم است شرحی عرض کنم. ملاحظه فرمائید چه بسا اشخاصیکه جامع و واجد شرایطی نیستند برای اینکه وزیر بشوند و داخل ادارات بشوند سعی می کنند بهر وسیله که هست انتخابات وکیل مجلس شوند چون میدانند که وکالت پله وزارت است.

بنابراین اگر این جا در باز شد برای اینکه يك عده

وکیل شوند و بعد بیرون بروند و وزیر شوند قهراً انتخابات صورت طبیعی پیدا نمی کند و از حالت عادی و طبیعی خودش خارج میشود بعلاوه این مسئله يك ظلمی است نسبت با اشخاص صاحب سابقه و تحصیل کرده که در ادارات هستند بجهت اینکه ممکن است يك اشخاص بی سابقه و تحصیل نکرده وکیل بشوند (زیرا وکیل را نمیشود گفت که حکماً باید تحصیل کرده باشد) و بعد وزیر شوند و بروند یکی از وزارتخانهها و حکومت کنند بر يك اشخاص با سابقه تحصیل کرده که سالیان دراز است مشغول خدمت هستند و این البته خوب نیست. ما اگر می خواهیم نظر اصلاحی داشته باشیم و بخواهیم مصالح مملکت را حفظ کنیم باید يك شرایطی برای وزارت قائل شویم وقتی که ما برای ورود يك نصاب در اداره يك شرایطی قائل میشویم بطریق اولی باید برای وزیر شدن هم معتقد بیک شرایطی باشیم نه اینکه معتقد شویم که يك کسی بدون هیچ سابقه و شرطی میتواند وزیر شود.

قسمت دیگر عرض بنده این است که باین ترتیب هیچوقت اکثریت عقیده در مجلس شورای ملی پیدا نمیشود زیرا يك نفری که میاید در مجلس و يك نفوذی دارد خودش را وکیل باشی میکند باین معنی که عده را دور خودش جمع میکند و میگوید من يك فراکسیون تشکیل میدهم و شما هم با من همراهی کنید تا وزیر شوم و همینکه فردا رفتم بوزارت خانه باشما همراهی خواهم کرد. باین ترتیب هیچوقت يك اکثریت عقیده در مجلس پیدا نخواهد شد. و آن فراکسیون که اینطور تشکیل میشود حتی الامکان سعی میکنند دولت ها را متزلزل کنند برای اینکه خودشان وزیر شوند و البته دولتی که متزلزل شد هیچ نمیتواند کار بکند. برای اینکه يك دولتی موفق شود کارهای اساسی و صحیح در مملکت بکند باید دو سه سال پنج سال دوام داشته باشد تا بتواند کاری که شروع کرده تمام کند ولی بر عکس دولت متزلزل هیچ کاری نمیتواند بکند و عقیده شخصی بنده این است که اگر يك دولتی

بحد متوسط هم که باشد اگر دوام داشته باشد بهتر از يك دولت خیلی خوبی است که دوام نداشته باشد و مثلاً دو سه ماه بیاید و هیچ کاری نکند و برود.

مسئله دیگر این است دولت ها وقتی که بی دوام شدند کارهای اداری مابصورت صحیحی در نیاید. مثلاً فرض فرمائید يك وزیر عدلیه میاید که خیلی خوب هم هست ولی چون این کابینه دوامی ندارد و دوسه ماه مثلاً بیشتر نیست نمیتواند کار کند پس برای اینکه يك عقیده ثابتی در کابینه و در وزارتخانهها باشد باید دولت ها سه سال چهار سال پنجسال باقی بمانند تا بتوانند يك کار هائی برای مملکت بکنند. فلسفه که برای ورود مستشاران امریکائی و خارجی داریم همین است که میگویند چون کابینه های این مملکت ثابت نیست و چون وزراء نمیتوانند کار خودشان را تمام کنند بنا بر این برای اداره کردن امور مملکت عضو ثابت لازم است تا بتواند کارهای مملکت را اداره کند. و چون عضو اداری هم نمیتواند کار کند زیرا هر روزی که میاید ممکن است او را تغییر دهد از این نظر قائل شده اند باینکه يك کسی باید بیاید که در این جریانان تغییر نکند و متزلزل نشود و ثابت باشد بالاخره باید برای ادارات و وزارتخانهها مستشاران خارجی آورد و امورات را بدست ایشان سپرد. بنده خیلی خوشوقتم آنهاست که واقعا عقایدی دارند بیایند و از عقیده خودشان حرف بزنند و نظریه شان را اظهار فرمایند این است که بنده از آقایان استدعا دارم با این مواد موافقت فرمایند که باتفاق بگذرد و تصویب شود.

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- بنده این توجه کامل آقایان نمایندگان محترم را نسبت به صحت جریان انتخابات و جلوگیری از هر اعمال نفوذی تقدیر و تقدیس میکنم و البته بر حسب نمایندگی و وظیفه شناسی بایستی پیش از این ها هم دقت کرد تا ملت بتواند با حسن وجوه از



این حق ملی خودش استفاده کند ولی بنده خیال می کنم برای جلوگیری از اعمال نفوذ و حسن جریان انتخابات هیچ مناسب و مقتضی نیست که يك طبقه را از حق انتخاب شدن محروم کنند در جلسه گذشته هم عرض کردم وضعیت طوری است که در مملکت ماعده اشخاص تحصیل کرده خیلی کم است و این عده هم که هستند اکثرشان در ادارات دولتی مستخدم هستند بنده نمی خواهم تخصیص بدهم منور الفکر هارا به اجزاء ادارات . البته در خارج هم هستند ولی خیلی کم و بیشتر آنها در خدمات دولتی هستند و اگر بخواهیم بعنوان این که اعمال نفوذ میکنند از حق انتخاب محروم کنیم عیناً مثل این است که بعنوان جلوگیری از نفوذ اصلاً تمام اشخاصی را که ممکن است احتمال بدهیم که در انتخابات تهدید و تطمیع کنند از حق انتخاب شدن محروم کنیم باین جهت بنده عقیده دارم به جای اینکه از اعمال نفوذ جلوگیری شود و اشخاص را از انتخاب شدن محروم کنیم و باین ترتیب جلوگیری کنیم بهتر این است که در صحت جریان انتخابات دقت و مراقبت کنیم نه اینکه يك طبقه متنوری که وجودشان برای مجلس مفید است از انتخاب محروم کنیم . يك مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این بود که در جلسه گذشته عرض کردم و حالاً هم این جا بعنوان مخالفت عرض میکنم و آن مسئله ملائین است بنده میدانم و کاملاً عقیده ام این است که ملائین بیش از هر کس میتوانند اعمال نفوذ کنند ...

بعضی از نمایندگان - نفوذ مشروع است نه نامشروع (همه نمایندگان)

احتشام زاده - بنده اجازه خواسته ام . اجازه بفرمائید که يك فرد اقلیتی عقیده خودش را بگوید اگر هم نمی خواهید عرض نمی کنم . تردیدی نیست که بر حسب وضعیات زندگانی طبقه رعیت با طبقه ملائین فرق دارد . تصدیق میکنم که همه ایرانی

هستند ولی منفعت طبقاتی رعیت با منفعت طبقاتی ملائین فرق دارد و هر طبقه دسته البته باید برای حفظ حقوق خودشان يك نمایندگان داشته باشند تا بتوانند حقوق و منافع طبقاتی خودشان را حفظ کنند . ما اجازه می دهیم به ملائین که بدست رعیت ( رعیتی که متأسفانه رشد ندارد و نمی تواند حق خودش را اعمال کند ) این رعیت زحمت کش بی سواد که هیچ نمایندگان انتخاب چیست خودشان را انتخاب کنند و وکیل بشوند و به مجلس بیایند ...

بعضی از نمایندگان - ( باهمه ) - شما حق ندارید این حرف را بزنید

احتشام زاده - بدیهی است که این آقایان در این جا برای منفعت طبقه رعیت کار نمیکنند بلکه مدافع حقوق طبقه خودشان هستند و بنا بر این بنده جائز میدانم که ملائین بدست رعیت وکیل شوند و در این جا بیایند و در نتیجه بر علیه طبقه رعیت کار کنند ... ( همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس )

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست آقا . شما میخواهید بین رعیت و ارباب اختلاف بیندازند .

احتشام زاده - در هر صورت بعقیده بنده ناموقعی که رعیت رشد پیدا نکنند و در جریان انتخابات مراقبت کامل پیدا نکند اگر همه طبقات را هم از حق انتخاب شدن محروم بکنیم باز بعقیده بنده جریانات جریان خونی نخواهد بود و انتخابات مطابق اراده ملت بعمل نخواهد آمد خوب حالا که این طور است بنده هیچ سزاوار و صحیح میدانم که يك طبقه معینی را از حق طبیعی خودشان محروم کنیم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - عده کافی نیست چند دقیقه تعطیل می کنیم .

کارروئی - می نشینیم آقا . صبر میکنیم .

زوار - بلی صبر میکنیم تا منتظر الوزاره ها بیایند .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در چه موضوع میفرمائید ؟

رئیس - راجع به کلیات موافق بودید بفرمائید .

فیروز آبادی - البته بنده موافقم و امیدوارم که در نتیجه تصویب این قانون و این ماده هم مجلس اصلاح شود و هم اینکه وزارت خانه ها اصلاح شوند و هم کارهای دولتی روی مجرای صحیح خودش گردش و سیر کند و هم در موقع انتخابات کسی به طمع وزارت نیفتد و مردم فشار نیارود خلاصه آنکه بجهت دیگری که همه بهتر از بنده میدانند بنده این قانون را خیلی خوب میدانم و خیلی صحیح هم میدانم و مخالفین این قانون را هم بنده میدانم چه نظری دارند که اینطور مخالفت می کنند و مجلس را از اکثریت می اندازند و اسباب زحمت خودشان و مجلس را فراهم میآورند و بنده هیچ عقیده ندارم که آنها یعنی آقایان مخالفین در این موقع نظریه شخصی خودشان را اعمال کنند و مجلس را از اکثریت بیندازند - اگر این ترتیب را ادامه دهند کم کم چهار ملت ملتفت خواهد شد که نظریه آنها چیست و برای خودشان هم خوب نیست این نظریه بنده است و امیدوارم آقایان بیش از این مخالفت و اصرار نکنند و بگذارند این مشروطیت چند ساله ایران مشروطه خوبی بشود و وکلای از روی تمایل و عقیده مردم انتخاب شوند نه از روی فشار و تهدید . این نظریه بنده است و بنده کاملاً باین ماده موافقم و امیدوارم که آقایان مخالفین همین نظر و عرایض بنده را در نظر بگیرند و از مخالفت خودشان صرف نظر کنند تا بلکه انشاء الله کارهای مملکت اصلاح شود و البته در ضمن اصلاحات کلی و مملکتی خودشان هم استفاده خواهند برد . اغراض شخصی را باید کنار گذارد و آقایان مخالفین نباید این خیال را بکنند که وزیر بشوند ولی مملکت روز سیاه بیفتد . آنها وزیر بشوند ولی مجلس از اکثریت بیفتد . وزیر بشوند ولی کابینه ها همه روزه گرفتار بحران باشد . وزیر بشوند ولی مجلس

باین شکلی که حالا می بینید باشد . خوب ! این وضعیت را برای مجلس کی درست کرده ؟ طالبین وزارت . پس سزاوار نیست که مال ملت را بگیرند و مجلس را باین شکل بیندازند و تصور کنند این سیصد تومان که ما میگیریم کافی نیست خوب است وزیر شویم تا حقوق کلی ببریم . بنده این نظریه را خوب و به صلاح مملکت نمی دانم و عقیده دارم آقایان مخالفین از نظریات خودشان صرف نظر کنند و در مجلس بیایند بنشینند و برای مملکت کار کنند

بعضی از نمایندگان - احسنت . مذاکرات کافی است .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده در اصل این طرح حالاً عرضی ندارم . اگر چه در قسمت اولش مخالف بودم ولی پیشنهاد بعدی خیال بنده را اصلاح و تأمین کرد . ولی قسمتی را که بنده می خواستم عرض کنم این است که معلوم نیست این قانون از کی و از چه تاریخی باید بموقع اجرا گذارده . اگر چه در کلیات داخل شده ایم ولی يك چیز ناقصی را خود مجلس اصلاح کند بهتر از این است که همینطور ناقص بماند . بنده يك پیشنهادی کرده بودم که از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده شود . دیگر بسته بنظر آقایان است .

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

مدرس - بلی همینطور است .

رئیس - بعد از اینکه وارد شور در کلیات شده ایم

میدانم همچو چیزی میشود پیشنهاد کرد یا خیر ؟

جمعی از نمایندگان - خیر آقا . مطلب معلوم است .

رئیس - مخالفی ندارد ؟ ( گفته شد خیر ) پیشنهاد

آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود .

( باین مضمون خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم در آخر قانون مزید بشود این

قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود .

رئیس -- قبلاً باید معلوم شود که میشود این پیشنهاد را مطرح کرد یا نه ؟  
 ارباب کیخسرو -- مقصود بنده این بود که در اینجا مذاکره شود و تکلیف معلوم باشد حالا که مذاکره شد بنده دیگر اصراری ندارم و مسترد میدارم .  
 رئیس -- آقای فرمند راجع بکلیات اظهاری دارید بفرمائید .

فرمند - بنده موافقم .

رئیس -- بفرمائید .

حاج آقا رضا رفیع - دو موافق نمیشود حرف بزند .  
 رئیس -- آقای ارباب مخالفت کردند . ایشان موافقتند .

فرمند - عرض کنم بعضی ها در بیرون به بنده فرمودند که این طرح ممکن است قدری مخالف با حکومت ملی باشد بنده مخالف با این اظهار هستم . بلکه برخلاف بعقیده بنده این طرح حکومت ملی را قوت میدهد و هیچ وجه مخالف با حکومت ملی هم نیست . و سابقه هم دارد ، در جمهوری اول فرانسه يك قانونی در آن مملکت گذشت و يك مدتی هم بموقع اجرا بود که وکلاء حق دارند وزیر شوند و مشاغل دولتی هم داشته باشند ولی در جمهوری دوم فرانسه این قانون ملغی شد زیرا جنبه حزبی نداشت و جمهوريون قوی شده بودند لذا این قانون را ملغی کردند . امروز در فرانسه علمای بزرگ و مخصوصاً از علمائی که در مجلس وکیلند مثل ایوگویی معتقدند که یکی از فوائد جمهوریت و مجلس فرانسه خارج نشدن وکلا است . و امروزه این فکر دارد در تمام اروپا نشر پیدا میکنند که قوه مقننه و قوه مجریه باید با هم مخلوط نشوند و موازنه داشته باشند و بر خلاف سابق امروزه این عقیده را دارند که قوه مقننه و قوه مجریه باید از یکدیگر مجزا و متمایز باشند و از هم جدا باشند و يك موازنه نسبت بانها وجود داشته باشد و این

عدم تناسب دولت ها در مالکی که ما می بینیم وکلاء حق دارند وزیر شوند بر علیه مصالح مملکت است از طرف دیگر باید دانست که حس نفع برستی را از هیچکس نمی توان گرفت . و کیل وقتی که آمد در مجلس البته میل دارد خدماتی بکند و برود وزیر شود . و برای این مقصد هم در مجلس دسته بندی میکنند و برای رسیدن به وزارت دسته بندی میشود و این عدم تناسب دولت ها برای مملکت مضر است . این است که این طرح بعقیده بنده از نقطه نظر تناسب قوه اجرائیه برای حکومت ملی ما خیلی نافع است و نیز از نقطه نظر اینکه گفته شود که ما فقط اعضاء ادارات را از انتخاب شدن محروم کردیم خوب است در این موقع مجلس ششم این فداکاری را نسبت بخودش بکند و این حق را از خودمان بگیریم گرچه آن محرومیت اعضاء ادارات هم يك محرومیت نسبی بود نه مطلق ولی ما باید این فداکاری را درباره خودمان بکنیم تا تمام اهالی مملکت و اعضاء ادارات بدانند که وکلاء يك فداکاری در باره خودشان کردند و يك حقی را از خودشان گرفتند . بنده شخصاً میل دارم این حق را از خودم بگیرم و این فداکاری را نسبت بخودم بکنم تا ما مورین دولتی که يك قدری بواسطه این طرح از ما ناراضی شده اند و همینطور سایر مردم بدانند که وکلای دوره ششم تقنینیه با تصویب این قانون يك فداکاری کردند آنها هم يك فداکاری اخلاقی . و این مسئله يك سرمشق نیکویی بشود برای دوره های بعد . و امیدواریم وکلای دوره بعد هم از این رأی ما سرمشق بگیرند و از این گونه فداکاری ها و گذشت ها در باره خودشان بنمایند .

يك قسمتی که آقای احتشام زاده فرمودند که مربوط به اعمال نفوذ مالکین نسبت برعابا بود بنده جواب عرض نمیکنم و دفاعی هم در این موضوع نمیکنم و همانطوری که اجزاء ادارات در موقع تصدی بشغل اداری خودشان اعمال نفوذ میکنند چنانچه خود آقای احتشام زاده که

رئیس سجل احوال بودند اعمال نفوذ کردند (حالا بنده کاری ندارم که خودشان کردند یا دیگری) ملائین هم اعمال نفوذ میکنند منتهی نفوذ مشروع ولی ایشان يك جمله فرمودند که ملائین به رعایایان علاقه مند نیستند بنده رسماً این جمله را تکذیب میکنم بعد از خداوند رزاق ما ملائین رعایا هستند چطور می شود که ما با آنها علاقه مند نباشیم بعلاوه این مسئله کاملاً ثابت شده که مالکین همیشه علاقتند بزارعین میباشد برای اینکه منافع مشترک با هم دارند که آنها را بیکدیگر وصل میکنند چنانچه در هر جامعه که منافع مشترک وجود داشته باشد قطعاً علاقتند هم بینشان وجود دارد دیگر عرضی ندارم

رئیس -- آقای افسر

محمد هاشم میرزا افسر - چون آقای فیروز آبادی فرمودند که هر کسی مخالف است بیرون میرود و مجلس را از اکثریت می اندازد عرض میکنم که بنده شخصاً کسی هستم که با این طرح مخالفم ولی بیرون هم رفتم و مجلس را هم از اکثریت نینداختم و خیال وزارت هم ندارم و فقط از مد نظر حفظ حقوق ملی و ملی بودن انتخابات که الان هیجده سال بدست سال است متصل صحبت از حفظ حقوق ملی می شود مقتضی نمی دانم يك اشخاصی از حقوق ملی خودشان محروم شوند چون فقط وکیل باید سواد فارسی داشته باشد که بتواند بخواند و بنویسد بنا بر این بعقیده بنده هیچ منافات ندارد که این اشخاص هم انتخاب شوند و مصلحت مملکت هم مقتضی این نیست که يك اشخاصی را ما محروم کنیم . بنده از نقطه نظر اصول مخالفم و با این ترتیب هیچ خارج نشدم و آنها هم که بیرون رفته اند چون حاضر نیستند و غائبند اگر آقا اعتراضی داشتند خوب بود صبر میکردند تا خودشان میآمدند و دفاع میکردند . عقیده سرکار در مصلحت مملکت این است که فرمودید و عقاید دیگران هم همان است که اظهار میدارند عقیده هر کس هم برای خودش محفوظ

است و از این جهت تنقید نباید کرد .  
 رئیس -- آقای دکتر مصدق  
 دکتر مصدق عرضی ندارم .

رئیس -- آقای حاج میرزا مرتضی  
 حاج میرزا مرتضی - اگر چه مذاکرات بقدر کفایت شده است و محتاج باینکه چیزی عرض شود نیست ولی اربابیکه حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا از نقطه نظر مملکت مخالفت فرمودند ولی بیرون تشریف نبردند خیلی تشکر میکنم کاش همه آقایان هم از روی عقاید مملکتی فرمایشات خودشان را میکردند و خارج نمیشدند و مجلس را هم از اکثریت نمی انداختند . اما اینکه فرمودند يك عده محروم می شوند عرض میکنم هیچ همچو چیزی نیست . کسی از حقی محروم نمیشود منتهی ما میگوئیم رؤه ای ادارات برای اینکه اعمال نفوذ میکنند نباید از محل مأموریت خودشان انتخاب شوند یا همینطور وزراء یا معاونین آنها چون در تمام مملکت میتوانند اعمال نفوذ کنند از این جهت نباید انتخاب شوند . این محرومیت نیست . يك نفوذی را که باید از آن حسن استفاده کنند سوء استفاده میکنند . نفوذ مجلس و دولت را بخرج میدهند برای اینکه وکیل وزیر شوند و این البته سوء استفاده است والا واقعاً اگر چنانچه این آقایان طرف اعتماد مردم هستند با محل توجه مردمند چه ضرر دارد که از محل دیگری انتخاب شوند نه از آن محلی که در آن مأموریت دارند . غرض اینست که هیچکس را محروم نکرده ایم این مثل این است که بنده بگویم يك شخص مقتدری حق ندارد از محلی انتخاب شود خیر ما این طور نگفته ایم ما میگوئیم اگر این شخص واقعاً اقتدار دارد و میخواهد از نفوذ و قدرتی که باو سپرده شده سوء استفاده کند چه ضرر دارد که از جای دیگر انتخاب شود . چه الزامی است که حکماً از آن محلی که مأموریت دارد باید انتخاب شود ؟ و بقوه قهریه وکیل بشود ؟ این خوب نیست و مخالف شؤن ملی است . پس ملاحظه بفرمائید

محروریتی در کار نیست. این مطالبی که فرمودید مال يك حزبی است. و هنوز در ایران يك حزب قوی نداریم که بگوئیم این ترتیب مخالف با مقررات فلان حزب یا فلان مسلك است؛ البته هر وقت که در مملکت يك حزب یا مسلكی تشکیل شد آنوقت مطابق همان ترتیبات عمل خواهد شد.

بعضی از نمایندگان - مسلك حالا هم هست.

حاج میرزا مرتضی - عرض کردم حزب معینی الان در مملکت نیست تا بگوئیم بر خلاف مسلك فلان حزب است. ما آزادی هیچکس را از دستش نگرفته ایم و البته همه آزادند منتهی ما میگویی فلان رئیس اداره اعمال نفوذش را در نقطه ماموریتش نباید بخرج دهد. اگر واقعاً محل اعضاء مردم است خوب است از جای دیگر انتخاب شود. پس جلوی آزادی کسی گرفته نشده است رئیس - بالاخره عده برای رأی گرفتن کافی نیست آقای

تقی زاده

تقی زاده - می خواستم آقایان را تذکر بدهم و این تذکر بیشتر راجع است بان آقایانی که طرح اولی را آوردند. ولی چون يك ماده دیگری که مخالف میل آنها بود به مجلس پیشنهاد شد و تصویب شد آنها از مجلس بیرون رفتند. مقصود بنده و سایر آقایان این است که بانها عرض کنیم وقتی که اول انسان يك حرفی را میگوید که مثلاً این طور خوب نیست و صلاح نیست در آخرش هم که کار تمام میشود باید بگوید که من گفتم این طور می شود. بنده عرض میکنم این مسئله دو فوریت در مجلس يك موضوع و يك سابقه بدی است بعضی از آقایان میفرمایند فلان مطلب مسلم است. بلی مسلم است ولی برای خودمان که پیشنهاد میکنند ولی آقایان خیال میکنند همینکه برای خودشان مسلم شد برای دیگران هم مسلم است و اگر کسی بگوید خوبست که فلان لایحه برود در کمیسیون و در آنجا مذاکره و دقت شود و مطلب معلوم شود آقایان موافقین تعجب

و يك روزی ملت ملتفت شود و انشاء الله باین مسئله وجدان عمومی ملت حکم کند که این انتخاب حالیه انتخاب نیست و اگر در میان دو سم يك کوسفندی هم يك کاغذی نصب بکنند آن هم میتواند توی صندوق بیندازد بدون اینکه بداند چه چیز است

رئیس - چو عده کافی نیست باید مجلس را ختم کنیم

زوار - بنده عرض دارم اجازه میفرمائید؟

رئیس - پیشنهادی شده بود که از امروز تا پانزدهم صفر تعطیل شود چون عده کافی نیست حالا نمیشود رأی گرفت عجبالتاً از امروز تا دوازدهم یعنی سه شنبه آتی.. بعضی از نمایندگان - چهاردهم؟

رئیس - ناسه شنبه دوازدهم تعطیل می شود و تکلیف

آن تعطیل روز سه شنبه معلوم خواهد شد.

آقاسید یعقوب - روز سه شنبه جلسه است؟

رئیس - بده

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

منافعی مخالف است مخالف این است که اعضاء ادارات محروم شوند و باین قانون مخالفت میکنند. بعقیده بنده اگر این اصلاحاتی که به مجلس آمده با چندین اصلاح دیگر هم اگر بعد بیاید بعقیده بنده بقدر يك قدم برای این مملکت فائده ندارد. بنده نمیگویم هیچ فائده ندارد البته فائده دارد منتهی فائده جزئی ولی فائده اساسی ندارد. برای اینکه مسئله اصلاح انتخابات برای اینکه ملت بمقوق خودش برسد و مجلس مجلس حقیقی باشد و نمایندگان ملت تا آن اندازه که در استطاعت بشری است نمایندگانه ملت باشند این است آن اشخاصیکه روی کاغذ خودشان نمیتوانند يك چیزی بنویسند و دیگری مینویسد و نمیداند چه چیز است و توی صندوق میاندازد بهتر این است ممنوع باشد و انتخاب منحصر بشود باشخاصی که خودشان مینویسند. شاید هم بگویند این حرف صحیح نیست و اگر پیشنهاد هم بشود ده نفر بیشتر قیام نکنند ولی حرف مثل تخم است که پاشیده میشود و امیدوارم این حرف در صورت مجلس چاپ شود و این ملت بخواند